

بررسی سنخیت وسیله و هدف در حوزه سیاست از منظر اسلام

نصیراحمد سلطانیپور^۱

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی این سؤال؛ آیا هدف وسیله را توجیه میکند؟ پرداخته شده است. بر خلاف مکاتب مادی معاصر که بر مطلوبیت هر نوع ابزار تأمین کننده اهداف سیاسی استوار می‌باشد، در اندیشه دینی همچنان که اهداف سیاست های اسلامی انسانی و سازگار با فطرت انسان است، ابزار نیل بدان نیز باید مشروع و انسانی باشد. بنابراین، شیوه‌های خدعه‌آمیز و فریب کارانه نظیر پیمان شکنی، عدم وفای به عهد، ظاهر سازی و تقلب که از ابزارهای رایج و موفق سیاست کنونی است از دیدگاه اسلام مردود بوده و از نظر حکمرانی نبوی و علوی جایی در سیاست دینی ندارد. بخش اول این پژوهش به بررسی دیدگاه کسانی که معتقدند، هدف وسیله را توجیه می‌کند، اختصاص یافته که در این زمینه به دیدگاه ماکیاولی و سیاست های کنونی جهان غرب اشاره رفته است و سپس اصل سنخیت هدف و وسیله از منظر اسلام مورد تبیین قرار گرفته و در آخر به تبیین این بحث از منظر حکمرانی نبوی و علوی به عنوان دو الگوی مهم و اساسی در حوزه سیاست عملی اسلام پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: وسیله، هدف، سیاست و اسلام.

^۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روابط بین الملل / مجتبع آموزش عالی علوم انسانی

یکی از موضوعات مهم و اساسی که از دیرباز در میان اندیشمندان و صاحب نظران فلسفه سیاسی و بینش سیاسی - اجتماعی و نیز در میان حکمرانان مورد بحث و مناقشه بوده و هست، موضوع مشروع بودن و یا نبودن وسیله است. بدین معنا که؛ آیا حکمرانان می‌توانند برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های خویش، از هر ابزار و وسیله‌ای - مشروع یا غیر مشروع - استفاده نمایند، یا اینکه هدف‌های مشروع و انسانی باید وسیله‌اش نیز مشروع باشد؟ در این زمینه دیدگاه‌های مختلف و متعددی مطرح شده که این پژوهش، دو دیدگاه را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.

دیدگاه اول: عدم سخنیت وسیله و هدف

بیشتر حکمرانان و صاحب نظران، معتقدند که برای رسیدن به اهداف و آرمان‌ها، از هر ابزار و وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد، هرچند آن وسیله از نظر مکتب و مرامشان ظالمانه و غیر انسانی باشد.

پیروان این دیدگاه در اندیشه و عمل بر این باور هستند که اگر آرمان و هدف حکمران، انسانی و مقدس بود برای نیل بدان از هر وسیله ممکن می‌توان بهره گرفت، خواه آن وسیله، مقدس و ارزشمند و هماهنگ با روح و محتوای هدف باشد یا ناسازگار با آن. باید از هر آنچه میسر است نردبانی برای صعود و پلی برای عبور و وسیله‌ای برای رفتن بسوی هدف، فراهم آورد. در این راه، عقیده و اخلاق، صداقت و صراحت، آزادگی و کرامت، گذشت و جوانمردی، صفا و وفا و حتی خدا و مذهب و آزارها و مفاهیم بلند و حقایق والائی هستند که نه تنها نباید بدان‌ها نقش باز دارنده و کنترل کننده داد بلکه آنها نیز باید قربانی هدف گردند و به ابزاری برای دست یابی به هدف تبدیل شوند. (کرمی، ۱۳۷۲: ۵۱)

یکی از کسانی که در فلسفه‌ی سیاسی قائل است که هدف وسیله را توجیه

می‌کند، نیکولا ماکیاولی سیاستمدار، نظریه پرداز، نویسنده و شاعر بزرگ عصر رنسانس است که در نیمه اول قرن شانزدهم در ایتالیا زندگی می‌کرد. (پولادی، ۱۳۸۲: ۱۵) او بر آن بود که هدف سیاست، رسیدن به قدرت است و برای رسیدن به قدرت و حفظ آن هرکاری مجاز است. وی صریحاً می‌گفت حاکم باید برای حفظ قدرتش از هر وسیله‌ای مثل دروغ و فریب خشونت و کشتار و تقلب و ترور و هر راه غیراخلاقی و غیردینی دیگر می‌تواند استفاده کند. به نظر او حفظ حکومت بدون شرارت ممکن نیست و شه‌ریار یا حاکم باید درندگی شیر و فریبندگی روباه را داشته باشد. (ماکیاویل، ۱۳۸۹: ۱۴۸؛ عالم، ۱۳۷۷: ۴۳) پس از ماکیاویل این جمله معروف شد که «هدف وسیله را توجیه می‌کند».

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت؛ ماکیاویل در واقع آنچه در عالم قدرت می‌گذرد را به صراحت بیان کرده و گفته ذات قدرت و سیاست همین است و نباید از بیان صریح این مطلب شرمگین بود. چراکه؛ حقیقت این است که صاحبان قدرت در دنیا چه پیش از ماکیاویل و چه پس از او در عمل همین گونه رفتار کرده‌اند.

بر اساس این دیدگاه؛ در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روابط بین‌الملل برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها، می‌توان از هر شیوه و وسیله‌ی ممکن بهره برد، مهم رسیدن به هدف است، اما اینکه ابزار رسیدن به هدف مشروع باشد یا نامشروع مهم نیست. پس می‌توان برای دستیابی به مقصود، از شیوه‌های ناروایی چون دروغ و تهمت، تملق و چاپلوسی، ریا و تظاهر، خوش خدمتی به بارگاه ستم، بازی با واژه‌ها و مفاهیم و ابزار سلطه ساختن هر چیز و هر کس، ترویج خرافه پرستی، استفاده از جهل ملت‌ها، دامن زدن به اختلافات قومی، نژادی و مذهبی، ایجاد اختناق، سانسور، تحریم‌های اقتصادی، حملات نظامی، کشتار افراد مظلوم و بیگانه، استفاده از ساده لوحی‌ها، زود باوری‌ها و با بازی با عواطف و

احساسات و شعارهای انسانی و حقوق بشری، نیز استفاده کرد.

با توجه به آنچه که آمد، می‌توان گفت که از منظر این دیدگاه؛ در تمام مراحل، مهم درست بودن هدف است و روا یا ناروا بودن وسیله، چندان مهم نیست. چرا که قداست هدف موجب قداست وسیله می‌گردد هر چند وسیله، گناه آلود و نامقدس باشد و فراتر از این اصولاً هنگامی که گناه مقدمه یا ابزاری برای هدف مقدس باشد دیگر گناه نیست. گناه و خلاف و ظالمانه بودن کارها، هنگامی است که منظور اصلی و هدف نهائی جامعه یا فرد، گناه و نامقدس باشد؛ و سوگمندان این شیوه زشت بزرگترین آفت ارزشها و والائی و شایستگی‌ها و عدالت و آزادی‌ها در جامعه‌ها و تمدن‌هاست.

امروزه سیاست خارجی و بین‌المللی کشورها بویژه کشورهای غربی در راستای اعتقاد به همین دیدگاه قابل بررسی است. زیرا؛ با بررسی سیاست خارجی کشورها بر مبنای نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل، می‌توان در یافت که استفاده از ابزارهای مشروع و انسانی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در تعاملات کشورها، از هیچ جایگاهی بر خوردار نیست. به بیان دیگر؛ کشورها همواره در عرصه بین‌الملل در صدد تحقق اهداف و آرمان‌هایشان هستند و در این زمینه و برای دستیابی به آن‌ها از هیچ ابزاری حتی نامشروع و غیر انسانی دریغ نمی‌ورزند و به عبارت دیگر، یکی از اصول حاکم بر روابط بین‌الملل این است که؛ کشورها همواره در عرصه سیاست خارجی به دنبال تحقق اهدافشان بوده و در این زمینه، اخلاق از سیاست کاملاً جدا فرض می‌شود. بر اساس این نگاه، اخلاق زمانی از کاربرد منطقی در روابط بین کشورها برخوردار خواهد بود که بتواند در صورت نیاز، رفتار سیاست خارجی آن‌ها را توجیه کند و به آن مشروعیت بخشد. در غیر این صورت و در شرایط طبیعی، برای پرهیز از آسیب منافع ملی، اهداف و آرمان‌های مورد نظرشان، باید اخلاق از سیاست جدا باشد.

سیاست خارجی و بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی در قبال سایر کشورها گواه روشن بر این مسئله است. آمریکا و سایر همپیمانانش برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایشان، از هر ابزار و وسیله‌ای ممکن خواه مشروع و یا نامشروع استفاده نموده و اکنون نیز استفاده می‌نمایند. حمله نظامی آمریکا به افغانستان، عراق، سوریه، سیاست‌های آمریکا در قبال تروریسم، کشورهای تروریسم پرور، عدم پای بندی آمریکا به پیمان‌های بین‌المللی و خروج یکجانبه از این پیمانها مانند خروج آمریکا از معاهده «آب و هوایی پاریس»، خروج آمریکا از توافقنامه «برجام» و ده‌ها و صدها نمونه‌ای دیگر، گواه روشن بر اثبات مدعای ما به حساب می‌آید. این نوع سیاست‌ها بخوبی نشان می‌دهد که آمریکا با اعتقاد به همین تئوری سیاست‌های خود را به پیش می‌برد و برای دست یابی به اهداف و مقاصدش از هر ابزار و وسیله‌ای ممکن استفاده می‌کند، حتی اگر این سیاست‌ها؛ منجر به گشته شدن هزاران نفر بی گناه، خراب شدن شهرها، بی‌خانمان شدن میلیون‌ها انسان، تخریب زیرساخت‌های کشورها و... شود. آنچه که برای آمریکا مهم است، رسیدن به هدف است؛ اما اینکه ابزار رسیدن به هدف مشروع باشد یا نامشروع مهم نیست.

به عنوان مثال؛ آمریکا برای دستیابی به اهدافش در منطقه خاورمیانه، تئوری حمله به کشور عراق را پی ریزی نمود و برای اینکه بتواند نظر مثبت جامعه بین‌الملل را بدست آورد مدعی شد که «صدام با گروه تروریستی القاعده ارتباط دارد و نیز عراق سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی دارد و به ساخت آن‌ها مشغول است و در صدد دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای نیز است» (ترززا رینولد، ۱۳۸۹: ۱۳۴ و ۱۴۱) آمریکا با این دروغ بزرگ به عراق حمله کرد و این کشور را اشغال نمود و پس از پایان جنگ و کشته شدن بیش از پنج هزار سرباز و نیم میلیون عراقی و تخریب زیر ساخت‌های این کشور و بی‌خانمان شدن میلیون‌ها عراقی،

مشخص شد که این ادعا، کاملاً دروغ است و عراق اساساً سلاح کشتار جمعی و آزمایشگاه بیولوژیکی ندارد. سازمان سیا در آوریل سال ۲۰۰۵ میلادی به طور رسمی اعلام کرد که در عراق هیچ سلاح کشتار جمعی ای پیدا نشده است.

دیدگاه دوم: سنخیت وسیله و هدف

از منظر اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و برای وصول به هدف، استفاده از هر نوع وسیله‌ی را مجاز نمی‌داند. زیرا در یک نظام ارزشی، نه تنها هدف‌ها ارزش دارند، بلکه انتخاب وسیله‌ها نیز دارای ارزش اند. (الهامی، ۱۳۷۸: ۲۴)

از این رو، بر خلاف مکاتب مادی معاصر که بر مطلوبیت هر نوع ابزار تأمین‌کننده اهداف سیاسی استوار می‌باشد، در مکتب اسلام همچنان که اهداف سیاست خارجی انسانی و سازگار با فطرت انسان است، ابزار نیل بدان نیز باید مشروع و انسانی باشد. این اصل موجب می‌گردد که مکانیزم‌های اجرایی سیاست خارجی از نظر مکتب وحی و اندیشه الهی معصومین(ع) در چارچوب مباحات شرعی دنبال شود.

بنابراین، شیوه‌های خدعه‌آمیز و فریب کارانه نظیر پیمان شکنی، عدم وفای به عهد، ظاهر سازی و تقلب که متأسفانه از ابزارهای رایج و موفق سیاست کنونی است، از دیدگاه اسلام مردود بوده و در سیاست دینی، جایی ندارد. (سجادی، ۱۳۷۹: ۹۹)

رهبران و حکمرانان راستین اسلام با اینکه هدف والایشان نجات و نیکبختی انسانها به مفهوم حقیقی کلمه بودند اما در راه این هدف والا، جز به شیوه‌های جوانمردانه و آزاد منشانه و وسائل مقدس روی نمی‌آوردند و همواره از روش‌ها و وسائل نامقدس، حتی به اندازه یک دروغ و یک وعده‌ی میان تهی به مردم، اجتناب می‌کردند و پیروزی حقیقی و ارزش‌های والای خویش را قربانی

پیروزی‌های ظاهری و زود گذر نمی‌ساختند.

در این قسمت به تبیین این بحث از منظر حکمرانی نبوی و علوی به عنوان دو الگوی مهم و اساسی در حوزه حکمرانی اسلامی و سیاست عملی اسلامی می‌پردازیم:

۱. رابطه هدف و وسیله در حکمرانی نبوی

در اندیشه و سیاست عملی پیامبر اکرم (ص)، میان هدف و وسیله، ارتباطی عمیق و تنگاتنگ وجود دارد. بدین معنا که مقاصد و اهداف در اینجا ارزشی، متعالی، الهی، انسانی و خداگونه هستند. پس برای رسیدن به آن‌ها نیاز به ابزار و وسیله‌هایی است که ارزشی، متعالی، الهی، انسانی و خداگونه باشند.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار گردید. (بقره: ۱۸۹)

در روزگار جاهلیت رسم این بود که اگر کسی برای ادای مناسک حج جامه احرام می‌پوشید، نباید از در خانه‌اش وارد می‌شد تا حج او پایان می‌رسید؛ از این رو، سوراخ‌هایی در پشت دیوار خانه‌ها برای ورود و خروج در این موسم ایجاد می‌کردند و این رسم خرافی و موهوم تا فرود این آیه شریفه رایج بود. (طبرسی، ۱۴۰۳: ذیل آیه شریفه)

بسیاری از مفسران گفته‌اند در زمان جاهلیت هنگامی که لباس احرام به تن می‌کردند از راه معمولی و در خانه، به خانه خود وارد نمی‌شدند و معتقد بودند این کار برای محرم ممنوع است به همین دلیل در پشت خانه نقبی می‌زدند و هنگام احرام فقط از آن وارد می‌شدند، آن‌ها معتقد بودند که این عمل یک کار نیک است

چون ترک عادت است و احرام که مجموعه‌ای از ترک عادات است باید با این ترک عادت تکمیل شود.

و بعضی گفته‌اند این کار به خاطر آن بود که در حال احرام زیر سقف نروند زیرا گذشتن از سوراخ دیوار در مقایسه با گذشتن از در برای این منظور بهتر بود ولی قرآن صریحاً می‌گوید نیکی در تقوا است نه در عادات و رسوم خرافی و بلافاصله دستور می‌دهد حتماً از همان طریق عادی به خانه‌ها وارد شوید.

این آیه معنی وسیع‌تر و عمومی‌تری نیز دارد و آن اینکه برای اقدام در هر کار خواه دینی باشد یا غیر دینی باید از طریق صحیح وارد شوید نه از طرق انحرافی و وارونه چنانکه جابر همین معنی را از قول امام باقر (ع) نقل کرده است.

امام باقر (ع) در معنای این آیه فرموده است: *يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ؛ أَيَّ الْأُمُورِ كَانَ؛* یعنی اینکه در کارها از جهت مناسب آن‌ها وارد شوید، هرکاری که باشد. (طبرسی، ج ۱: ۲۸۴؛ عیاشی، ج ۱: ۸۶)

با بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) می‌توان دریافت که آنحضرت هرگز برای رسیدن به اهداف خود، از وسایل نامشروع یا غیر منطقی و غیر انسانی، بهره نگرفت که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱) در ماجرای ابراهیم، پسر پیامبر اکرم (ص) آن حضرت (ص) متأثر شدند و اشک ریختند. مسلمانان نیز متأثر بودند. در همین اوضاع خورشید گرفت. مسلمانان گرفتگی خورشید را به مرگ ابراهیم ربط دادند و این حادثه باعث تقویت ایمان افراد به پیامبر اکرم (ص) شد، ولی آنحضرت هرگز نخواستند از جهل و عوام زدگی مردم برای هدایت آنان استفاده کند؛ لذا در برابر این طرز فکر غلط آنان سکوت نکردند و آن را رد کردند. چنانچه در همین زمینه از امام کاظم (ع) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) بر منبر رفتند و پس از حمد و ثنای خدا فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعَانِ لَهُ لَا

يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتٍ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا انْكَسَفَتَا أَوْ وَاحِدَةً مِنْهُمَا فَصَلُّوا ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى
بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْكُوفِ»؛ ای مردم بدانید که خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه‌های
خدای یکتا هستند که به فرمان او در حرکتند و فرمانبردار او هستند. آن‌ها برای
مرگ کسی یا برای زندگی او نمی‌گیرند. هنگامی که دچار خورشید گرفتگی یا ماه
گرفتگی شدید نماز گزارید پس از آن از منبر فرود آمد و نماز آیات گزارد و پس از
نماز به حضرت علی ع فرمود: «برخیز و ساز و برگ تدفین پسرم را آماده کن»
(بخاری، ج ۲، ۱۴۲۲: ۴۶۴ و ۴۶۵؛ ابن سعد، ج ۱، ۱۴۱۰: ۱۴۲ و ۱۴۳؛ مجلسی،
ج ۲۲، ۱۴۰۴: ۱۵۶).

۲) در روزگار سخت و تنهائی پیامبر اکرم (ص)، مردانی از یک قبیله‌ی با
نفوذ و پر جمعیت (قبیله ثقیف) پس از شنیدن دعوت ایشان به حضور رسول اکرم
(ص) شرفیاب و بر آن شدند تا با سه شرط به دین اسلام ایمان آورند و نیرو و
امکانات خویش را در خدمت هدف‌های بلند و انسانی آنحضرت (ص) قرار
دهند.

۱. ما را در پرستش بت‌هایمان تا مدتی دیگر مهلت دهید.

۲. انجام نماز بر ما گران است، ما را از آن معذور دارید.

۳. بت‌های ما نه بدست خودمان، بلکه بدست دیگری شکسته شود.

آن حضرت با اینکه به نیروی آنان برای پایداری در برابر فشار و ارتجاع
مسلط و پیشرفت هدف مقدسش سخت نیازمند بود و می‌توانست با یک «آری»
گام بلندی بسوی پیروزی ظاهری بردارد و وسیله‌ای چنین نیرومند را در خدمت
هدف اش قرار دهد، اما نپذیرفت و فرمودند:

شرط آخرین شما که بت‌ها بدست دیگری شکسته شود، پذیرفته است، اما
دو شرط دیگر با روح دین ناهماهنگ و ناسازگار است و پذیرفته نیست. آنان رفتند

و پیامبر اکرم (ص) نشان داد که هدف‌های والا را تنها با وسیله و روش والا و جوانمردانه باید دنبال کرد، نه با ابزار و وسائل نامقدس. (شیرازی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۲۱۰)

۴) پس از جنگ بدر گروهی از مسلمانان دستخوش خشم و تعصب شدید شدند و از پیامبر اکرم (ص) اجازه خواستند تا تعدادی از دندان‌های سهیل بن عمر خطیب و سخنور نامی مکه را که با بیان گرم خویش احساسات را بر ضد اسلام و قرآن بر می‌انگیخت بکشند و بخشی از زبان آتشین او را ببرند تا پس از آزادی اسیران قریش و بازگشت به مکه، دیگر نتواند در مجامع عمومی بر ضد پیامبر و پیام و پیروان او سخنرانی کند، اما آن گرامی مرد والا نپذیرفت و آنان را تویخ کرد و فرمود: چنین عملی ضد انسانی است، من بدان رضایت نخواهم داد. با اینکه می‌توانست اجازه‌ی سر به نیست نمودن او یا ناقص ساختن او را بدهد و مانعی را از سر راه هدف بلند خویش بردارد و گامی بسوی هدف پیش نهد.

۱. رابطه هدف و وسیله در حکمرانی علوی

در حکمرانی علوی نیز همین منطق حکمفرماست. حضرت علی (ع) در طول دوران حکومتش حاضر نشد برای رسیدن به اهداف خود، از ابزارهای نامشروع و غیر انسانی استفاده نماید بلکه همواره معتقد بودند؛ همانطور که اهداف باید مشروع و انسانی باشد، آنچه که ما را به این اهداف می‌رساند نیز باید مشروع باشد. چنانچه آنحضرت (ع) در ارتباط با سنخیت هدف و وسیله می‌فرمایند:

«أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُكِّتَ عَلَيْهِ؟ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا، أَيَا بِهِ مِنْ پِيشَنهَادِ مِي كِنِيدِ كِه بَرَايِ پِيروزي خُود، از جُور و ستم در حق كسانِي كِه بر آنْها حكومت مِي كَنِم، استفاده كَنِم بَه خُدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب

می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد». (نهج البلاغه: خ ۱۲۶)

حضرت علی (ع) در پاسخ به یاوه‌گویی‌هایی که آنحضرت را به ضعف سیاست متهم می‌ساخت، این جمله را می‌فرماید: «وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةَ بِأَذْهَىٰ مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يُغَدِرُ وَيَفْجُرُ، وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةَ الْغَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَذْهَىٰ النَّاسِ؛ وَ لَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَ كُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ؛ سوگند به خدا، معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حيله گر و جنایتکار است، اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه و هر گناهی نوعی کفر و انکار است». (همان: خ ۲۰۰)

و نیز در جای دیگر می‌فرماید:

«وَ إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَكُمْ وَ لَكِنِّي لَأَرَىٰ إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي؛ من به همه شیوه‌هایی که شما را به راه آورد و کجی‌های شما را درست کند آگاهم اما خود و هدف مقدس خویستن را قربانی نمی‌کنم». (همان: خ ۶۸)

حضرت علی (ع) در دوران خلافتشان این مهم را نه تنها در سیاست‌های اعلامی و شعاری بلکه در سیاست‌های عملی و اجرایی نیز محقق ساختند که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- در جنگ صفین، معاویه برای دست‌یابی به پیروزی، به هر فریب و حيله‌ای ممکن دست زد. از جمله پیش از رسیدن نیروهای امیرالمؤمنین (ع) به منطقه، بوسیله ده‌ها هزار نفر، آب را در محاصره گرفت و بر خلاف حق و عدالت و جوانمردی دستور ممنوعیت استفاده از آب را برای یاران امام علی (ع) صادر کرد و گفتند: به خدا سوگند، قطره‌ای آب به شما نخواهیم داد تا تشنه لب بمیرید. عمل ناجوانمردانه معاویه در محاصره آب، سپاهیان حق را به خشم آورد و سحر‌گاهی بیاد ماندنی با یک حمله برق‌آسا و کوبنده، صفوف تجاوزکاران درهم کوبیده شد و آب آزاد گردید و در اختیار نیروی سپاه امام (ع) قرار گرفت. پس از چندی یک هیئتی از سوی معاویه آمد و از امیرالمؤمنین علی (ع) تقاضا کردند که اجازه

استفاده از آب را به آنها بدهد. اما یاران امام (ع) به وی گفتند: ای امیر مومنان؛ همان گونه که آنان آب را بر تو بستند، تو نیز آب را بر آنها ببند و مگذار شامیان قطره‌ای آب را بیاشامند؛ آنان را با تشنگی هلاکشان ساز و بدین سان دست بسته بگیرشان که اگر چنین کنی تو را نیازی به جنگ نیست.

امام (ع) فرمود: «نه. به خداسوگند، با ایشان همچون خودشان مقابله نمی‌کنم». آنگاه علی (ع) اجازه فرمود تا شامیان هم از آب استفاده کنند.

امیرالمؤمنین (ع) با اینکه می‌توانست از چنین فرصتی بخوبی استفاده نماید و بر معاویه و سپاهیانش پیروز شود، اما برای رسیدن به پیروزی، آنحضرت (ع) از چنین کاری غیر انسانی استفاده نکرد و اجازه داد سپاهیان معاویه از آب استفاده نمایند.

۲- فرقه خوارج مردمی قشری و سخت‌گرفتار تعصب بودند، اما بسیار فعال و کوشا و متهور و در راه انحرافی خویش بی‌باک. به امیر مؤمنان (ع) ایراد داشتند که پذیرش داوری در صفین که به اصرار خود آنان صورت گرفته بود، کاری نادرست و غیر اسلامی بوده است، بدین جهت خودشان برای جبران آن گناه توبه کرده‌اند و امیر مؤمنان نیز باید توبه کند تا آنان چون گذشته زیر پرچم او باز گردند و در راه اهداف والای او مبارزه نمایند. با وجود آن که آنحضرت (ع) می‌توانستند به خاطر راضی ساختن و به خدمت گرفتن آن نیروی متعصب و بی‌باک، بظاهر و برای گناهی ناکرده طلب آمرزش کند و با وعده و نوید و تظاهر به قشری‌گری مورد علاقه‌ی آنان، آنان را دل‌خوش سازد و از جمود و تعصب آن نیروی متشکل و مصمم در راه تحکیم قدرت حق، بهره‌ها ببرد اما امیرالمؤمنین علی (ع) چنین نکرد. چرا که هدف مقدس وسیله و شیوه مقدس می‌طلبد. بلکه فرمودند:

«أَبْدَأَ إِيمَانِي بِاللَّهِ وَجِهَادِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَشْهَدُ عَلَى نَفْسِي بِالْكَفْرِ؟ ؛ آیا

پس از ایمان خالصانه‌ام به خدا و جهاد سر سخنان‌ام به همراه رسول خدا (ص)

اینک به ناروا سخن گویم و به کفر خویش شهادت دهم و آنگاه برای خوشایند شما از گناه ناکرده توبه کنم...؟ هرگز چنین نخواهد شد». (همان: خ ۴۲۰)

نتیجه گیری

در پاسخ به پرسش اصلی این تحقیق؛ آیا هدف وسیله را توجیه میکند؟ به دو نظریه اشاره کردیم.

۱. برخی در مقام نظر و عمل بر این باورند که برای نیل به اهداف مقدس و انسانی از هر وسیله ای ممکن خواه شروع و یا نامشروع می توان بهره گرفت. بر اساس این دیدگاه، مفاهیم ارزشمندی مانند عقیده، اخلاق، آزادی نه تنها دارای نقش بازدارنده نیست بلکه این مفاهیم قربانی هدف گردیده و به ابزاری برای دست یابی به هدف تبدیل می شوند.

۲. در میان فلاسفه سیاسی، ماکیاولی از جمله کسانی است که معتقد بود؛ هدف وسیله را توجیه می کند. بنابراین؛ هدف سیاست، رسیدن به قدرت است و برای رسیدن به قدرت و حفظ آن هرکاری مجاز است. امروزه سیاست های خارجی و بین المللی کشورها بویژه کشورهای غربی در راستای اعتقاد به این دیدگاه قابل بررسی و تحلیل است.

۳. اما از منظر مکتب اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی کند و برای وصول به هدف، استفاده از هر نوع وسیله ای را مجاز نمی داند. چراکه در یک نظام ارزشی، نه تنها هدف ها ارزش دارند، بلکه انتخاب وسیله ها نیز دارای ارزش اند. استفاده از شیوه های خدعه آمیز و فریب کارانه نظیر پیمان شکنی، عدم وفای به عهد، دروغ، ظاهر سازی، تقلب و... از دیدگاه اسلام مردود بوده و در سیاست دینی، جایی ندارد.

۴. در اندیشه و سیاست عملی رهبران و حکمرانان راستین اسلام مانند پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) میان هدف و وسیله، ارتباطی عمیق و تنگاتنگ وجود دارد و همواره از روش ها و وسائل نامشروع و نامقدس برای دستیابی به هدف اجتناب می کردند و پیروزی حقیقی و ارزش های والای خویش را قربانی پیروزی های ظاهری و زود گذر نمی ساختند.

منابع:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تصحيح: عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰ ق.
۲. الهامی، داود، «تفكيك ناپذیری سیاست از اخلاق در اسلام»، مكتب اسلام، سال ۳۹، شماره ۷، مهر ۱۳۷۸.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق/۲۰۰۱ م.
۴. پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاست در غرب از ماکیاول تا مارکس، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۵. رینولد، ترزا، قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا: در جنگ علیه عراق طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، مترجم: مجید رسولی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۶. سجادی، عبدالقیوم، «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)»، علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۱، زمستان (نیمه اول) ۱۳۷۹.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۸. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب: عصر جدید و سده نوزدهم، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.
۹. عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۱۰. کرمی، علی رضا، «قداست در هدف و وسیله از مهم‌ترین ویژگیهای جامعه اسلامی»، پیام قرآن، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۲.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه دارالوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۳. ماکیاولی، نیکولو، شهریار، مترجم: محمود محمودی، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.